

سُورَةُ الرَّوْمِ ۳۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران

الم

﴿۱﴾

هست رمزی از خداوندِ علیم از الف یاد کرده و از لام و میم

غُلِبَتِ الرَّوْمُ

﴿۲﴾

رومیان مغلوب گردیدند و پست از عجم خوردند کلاً بد شکست

فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ

﴿۳﴾

حادثه شد در جوارِ این زمین در همین اطراف و در نزدیک‌ترین

بعد از این ادبار و این‌گونه شکست رومیان پیروزی می‌آرند به دست

فِي بَضْعِ سِنِينَ ۖ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ ۚ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ

﴿۴﴾

چند سالی بگذرد زین ماجرا که شوند پیروز از حکم خدا

قبل و بعد از این همی اندر جهان حکم باشد از خداوند همچنان
 چون ظفر یابند آنکه رومیان شاد گردند و فرحناک مؤمنان
 يَنْصُرِ اللّٰهَ يَنْصُرُ مَنْ يَّشَاءُ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ



هر که را خواهد ظفر بخشد خدا مقتدر هست و رحیم بر ماسوی^۱
 وَعَدَ اللّٰهُ ۖ لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ وَعْدَهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ



وعده‌های حق بود بی‌اختلاف هرگز آن وعده نمی‌گردد خلاف
 لیک نمی‌دانند اکثر، مردمان غافلند از یک چنین امرِ گران
 يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ



از حیاتِ ظاهری در روزگار آگهند و نیک بدانند آشکار
 غافلند لیکن زِ عقبی^۱ جملگی زانچه پیش آید زِ بعدِ زندگی
 أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ ۚ مَا خَلَقَ اللّٰهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ
 مُّسَمًّى ۚ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ



هیچ نشاید فکر کنند این مردمان؟ در خصوص خلقتِ خود در جهان؟
 از سماوات و بساطِ این زمین هر چه باشد بین آنها اجماعین
 پس همه باشند از حق استوار تا به وقت مصلحت نیز پایدار
 بر لقای ربِّ خود، این مردمان غافلند، اغلب شوند از کافران

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً
وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ ۖ فَمَا كَانَ اللَّهُ
لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

﴿٩﴾

سیر نمودند ایشان در زمین؟
جملگی بودند قوی‌تر آن زمان
از بساط زینت و از کاخ و قصر
آمد ایشان را ز حق آنکه رسل
همچنین هرگز نبوده بیش و کم
بلکه بودند غافلان ظالم به خویش
تا که بینند شرح حال سابقین
هم ز آثار و ز کشت و زرعشان
قدرت و مال و سپاه، بی حد و حصر
با نشان‌ها از هدایت، جزء و کل
که کند بر قوم جاهل، حق ستم
از خطاها هم ز کردار و ز کیش

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السَّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ

﴿١٠﴾

آخرالامر گشته سخت فرجامشان
هم به استهزاء بکردند ریشخند
الله یبدا الخلق ثم یعیده ثم یرجعون
کرده تکذیب، جمله آیات و نشان
آنچه بود آیات از اندرز و پند

﴿١١﴾

آفرید مخلوق را حق ابتدا
می‌دهد رجعت بر خود جملگی
و یوم تقوم الساعة یبلس المجرمون
بعد آن بر مرگ نماید مبتلا
بعد از آنکه طی نمودند زندگی

﴿١٢﴾

تا رسد آن روز و آن ساعت عیان
می‌شوند وحشت‌زده سخت مجرمان

وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِّنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ

﴿۱۳﴾

نیست شفاعت بهرشان یا که پناه ز آنچه را خواندند خدا، غیر از اله
بر بتان، کافر شوند با ناسزا آنچه را از شرک نامیدند خدا
وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِّدُ يَتَفَرَّقُونَ

﴿۱۴﴾

چون بگردد روز و آن ساعت عیان فرقه فرقه پخش گردند مردمان
فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ

﴿۱۵﴾

پس همه نیکان مردم از اُمم که نمودند کار صالح نیز هم
می‌گزینند منزلی اندر بهشت روضه‌ی رضوان بر آنها سرنوشت
وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ

﴿۱۶﴾

لیک گروه کافران بی‌فروغ که بخواندند آیه‌های ما دروغ
همچنین تکذیب بکردندی مدام بر لقا در آخرت، هم آن قیام
عاقبت بینند عذاب‌های اَلیم در جهنم تا ابد مانند مقیم
فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ

﴿۱۷﴾

پس به تسبیح آورید ذات اله در همه وقت، در صبح و شامگاه

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

﴿۱۸﴾

حمد باشد خاصِ ایزد بالیقین در سماوات برین و در زمین
و شما در عصر و هر ظهری مدام با نماز بر سوی حق آرید قیام
يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ وَكَذَلِكَ
تُخْرِجُونَ

﴿۱۹﴾

زنده را از مرده می‌آرد برون هم ز زنده مرده سازد گونه‌گون
او حیات بخشد زمین را بعدِ موت همچنان آرد شما را بعدِ فوت
وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

﴿۲۰﴾

آیتِ خاص است از یزدانِ پاک که شما را آفریده او ز خاک
پس بگشتید مستقر اندر زمین نسل آدم پخش گردید این‌چنین
وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۚ
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

﴿۲۱﴾

از علامت‌های دیگر همچنان خلقتی بنمود از جفت بهرتان
تا ز جنسیت تسکین آورید الفت و مهر بینتان آید پدید
این‌چنین آیاتِ حق باشد نهان اهل فکر آرند توجه سوی آن
وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
لِّلْعَالَمِينَ

هست از آیات دیگر همچنین خلقت کلّ سماوات و زمین
 اختلاف بین زبان‌های شما هم تفاوت‌های در رنگ و نما
 از چنین آیات روشن و عیان می‌روند اندر تفکّر عالمان
 وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِّنْ فَضْلِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
 يَسْمَعُونَ

هم دگر می‌باشد آیاتی ز رب خوابتان در روزها و هم به شب
 بهر روزی می‌نماید جستجو از شما جنبش بود، روزی از او
 باشد این‌گونه دلالت‌ها عیان بر کسی که بشنود از گوش جان
 وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ
 إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

آیتی دیگر ز حق باشد عیان آذرخش و برقِ آن در آسمان
 بر گروهی خوف آرد صاعقه می‌دهد امید، به برخی بارقه
 می‌فرستد آبِ ناب از آسمان ارضِ مرده زنده می‌گردد ز آن
 از خدا باشد نشانی برق و نور بهر اربابِ تعقل این ظهور
 وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ۚ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ
 تَخْرُجُونَ

از نشان‌های دگر از کردگار امرِ او، ارض و سماء کرد برقرار

هم بخواند نیز شما را ربّ پاک بعدِ آنکه جمله رفتید زیر خاک
می‌شوید خارج فرداً فرد تمام در قیامت حیّ و حاضر با قیام

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ

﴿۲۶﴾

و هر آنچه در زمین و در سماست جمله فرمانبر زِ ذاتِ کبریاست
وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ ۚ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

﴿۲۷﴾

اوست آن که آفرید روزِ ازل مرده را زنده کند آن لم‌یزل
زنده کردن بارِ دوم در کمال هست سهل‌تر از برای ذوالجلال
وصفِ او گویند جمله اجمعین آنچه هست اندر سماء و در زمین
حق بود غالب به کلّ ممکنات او عزیز و هم حکیم از هر جهات
ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ ۖ هَلْ لَّكُمْ مِّنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ
فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

﴿۲۸﴾

حق مثال می‌آورد از بهرتان که کند وصفِ شما را این‌چنان
بنده‌ای دارید اگر بد یا که نیک می‌شود در مال و روزیتان شریک؟
یا بخواند کس شریک آن بنده را؟ این تساوی با شما باشد روا؟
مضطرب هستید گر از بهر خویش بهر آنان اضطراب آرید به پیش؟
شرح آیات می‌نماییم این‌چنین بهر آنان که بفهمند از یقین

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ قَمْنٌ يَّهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَالَهُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ

پیروی‌ها می‌نمایند آن خسان از هوای نفسِ خود اندر جهان
ظلم بر خود می‌نمایند همچنین از رهی که علم ندارند و یقین
رهنما کیست بهر او اندر جهان؟ گر خداوند رو بگردانده ز آن
هم نبیند نصرت و هیچ یآوری چون که در جهل بوده و ناباوری

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ
ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

روی خود آرید اندر سوی دین که حنیف و پاک باشد بالیقین
کان بود از فطرتِ پروردگار از همین فطرت بشد خلق، استوار
هیچ تغییر و تصرف نیست روا چون بود این دینِ راستینِ خدا
این بود آن دینِ محکم بهر ناس گر چه هستند اکثراً حق‌ناشناس

﴿ ۵ ﴾ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

رو به سوی حق بیارید با نیاز اهل تقوی^۱ گشته و خوانید نماز
هیچ نگردید از گروهِ مشرکان سوی خلاق و خدای دو جهان

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا ۚ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

هم نباشید جزو آن دسته کسان که نمودند فرقه‌فرقه دینشان
با چنان احزاب باطل جملگی بس فرحناک گشته اندر زندگی

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ

﴿۳۳﴾

لمس نمایند مردمان هر گاه ضرر ربّ خود را باز خوانند مستمر
با تضرّع هم به اخلاص جملگی سر نهند در راه حق از بندگی
رحمت حق تا کند دفعِ بلا بار دیگر آن گروه بی حیا
رو بگردانند ز حق اندر سبیل شرک ورزند بر خداوند جلیل

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

﴿۳۴﴾

کفر ورزیدن پس از لطفِ اله هست نشانِ ناسپاسی و گناه
بهره‌مند گردید ز انعام جهان زود ببینید حاصلِ اعمالتان

أَمْ أَنْزَلْنَاهُمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ

﴿۳۵﴾

سوی ایشان حجتی کردیم گسیل؟ تا کند دعوت به شرک اندر سبیل؟
پس فرستادیم دلیلی نزدشان؟ که بود برهانی بر آن شرکشان؟

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ

﴿۳۶﴾

گر چشاییم مردمان را رحمتی می‌شوند فرخنده‌حال در هر دمی
لیک محنت گر ببینند، دل‌پریش زآنچه با دستان خود آورده پیش
می‌شوند مأیوس و گردند ناامید محنتشان می‌شود افزون شدید

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

این نبینند، هر که را ایزد بخواست؟ رزق او افزون کند بی کم و کاست
 تنگ سازد رزق گهی بر مردمان کاین بود از حکمت ربّ جهان
 آیه‌های حق بود روشن چنین بهر تفهیم از برای مؤمنین

فَاتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

حقّ نزدیکان و خویشان کنّ آدا همچنین از بهر مسکین و گدا
 هم کسی که شد گرفتار و ذلیل مانده در راه همچنان ابنِ سبیل
 آن کسانی که بوند نیکوخصال طالبند نیز بر رضای ذوالجلال
 رستگاراند در این امتحان عاقبت بر خیر و نیز از مُفلحان

وَمَا آتَيْتُم مِّن رَّبًّا لَّيْرَبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرَبُّوا عِنْدَ اللَّهِ ۖ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ

گر که بنمایید عطا روی ربا بهر افزونی به اموال، ناروا
 نزد حق محسوب نباشد این عطا فارغ از خیرات و کاری پرخطا
 گر کنید اعطا زکاتِ واجبه روی صدق و از صفا بی شائبه
 نزد حق محسوب آید این ثواب چند برابر می شود آنکه حساب

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۖ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَّنْ يَفْعَلُ مِثْلَ
 ذَٰلِكُمْ مِّنْ شَيْءٍ ۚ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

حق همانست که شما را آفرید رِزق و روزی دادتان تا زنده‌اید
هم بگیرد جانتان را نیز خدا زنده گرداند به محشر، آن سرا
آنچه را از شرک برخواندید اله قادرند این‌سان نمایند هیچ‌گاه؟
پاک و برتر هست یزدان مجید زان که شرک آرند بر حیّ فرید

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ

﴿۴۱﴾

گشته ظاهر بس تباهی‌ها زیاد سوی دریاها و خشکی از فساد
آنچه بنمودند با دستان خویش این‌چنین آلودگی آورده پیش
می‌چشانیم ما به پاداشِ عمل آنچه کردند ناروایی و دغل
تا مگر چشمانشان گردیده باز عجز بیارند سوی ربّ بی‌نیاز

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ

﴿۴۲﴾

گو به مردم، سیر نمایید در زمین تا نظر آرید و بینید همچنین
آخر و فرجام اقوام در سبق اکثراً مشرک بگردیدند به حق

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلُ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصْدَعُونَ

﴿۴۳﴾

روی خود ثابت بدار و استوار سوی دینِ قیّم و پروردگار
قبل از آن روزی که ناگه سر رسد نیست کس قادر به تغییر، جز احد
اندر آن روز، فرقه‌فرقه مردمان سوی دوزخ می‌روند یا جنتان

مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ ۖ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسٍ فِيهِمْ يَمْهَدُونَ

هر که کافر گشت عذابش سر رسد کاین جزای اوست بر افعالِ بد
وان که نیکویی نمود در کارِ خویش جایگاهِ خود خریده او زِ پیش

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

حق زِ فضلش اجر دهد بر مؤمنان چون نمایند کارِ صالح در جهان
شامل فضلش نگردند گمراهان دوست ندارد ذاتِ ایزد کافران
وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ
وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

هست زِ آیت‌های ذاتِ کردگار که فرستد بادِ رحمت بی‌شمار
تا چشاند بر شما از حکمتش رحمتِ وافر و هم بی‌منتش
هم زِ باد گردند کشتی‌ها روان طالبِ روزی زِ فضل بی‌کران
تا مگر آنکه شما آرید سپاس زین همه آیاتِ روشن بهرِ ناس
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا ۖ
وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ

قبلِ تو هم ما فرستادیم رسل بهر اقوام بر هدایت در سبُل
کامدند با معجزات و بیّنات تا ببخشند بهر قوم خود ثبات
برگرفتیم انتقام از مجرمان هم بدادیم نصرتی بر مؤمنان

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا
فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ

﴿٤٨﴾

حق همانست که فرستد بادهای
تا به گرد هم رساند ابرها
با تراکم می‌نماید منبسط
انقباض و انبساطی منضبط
او اراده می‌کند کز آسمان
قطره قطره می‌شود باران روان
هر کجا خواهد اگر کم یا زیاد
بر بلاد و کوه و دشت، بهر عباد
زین چنین باران رحمت که بداد
بندگان او شوند خرسند و شاد

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ أَنْ يَنْزَلَ عَلَيْهِمْ مَنَّ قَبْلَهُ لِمُبْلِسِينَ

﴿٤٩﴾

قبل از این باران و این‌گونه نوید
بوده‌اند در یأس و هم بس ناامید
فَانْظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

﴿٥٠﴾

دیده بگشا و نظر کن در جهان
بر همه آثار رحمت این میان
که چگونه کرد زمین را زنده آن
بعد از آنکه مرده شد اندر خزان
می‌کند زنده همو پس مردگان
کاین اراده هست از ربّ جهان
او به هر چیز هست توانا و قدیر
قادر مطلق بود آن بی‌نظیر

وَلَكِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ

﴿٥١﴾

گر فرستیم بادی بس سخت و
که به کشت آرد خسارت‌ها پدید
شدید

کشتشان گردد همی زرد و تباه بی‌درنگ کافر بگردند بر اله
فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

﴿۵۲﴾

مرده را نتوان دهی بر گوش پند یا به کر نتوان زنی بانگ بلند
چون که روی از تو بگردانند همی از ره جهل و غرور و کوتاهی
وَمَا أَنْتَ بِهَادِ الْعَمَىٰ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ ۖ إِنَّ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ

﴿۵۳﴾

هم نمی‌باشی تو بر کور رهنما کز ضلالت وارهانی وز عمی
جز کسانی که بر ایزد مؤمنند هم بر آیات الهی مسلمند
﴿۵﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ
ضَعْفًا وَشَيْبَةً ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ

﴿۵۴﴾

هست خداوند آن که در روز نخست آفریدتان ضعیف و جمله سست
بعد از آن ضعف، قوتی بخشد اثر بعد قوت، می‌دهد ضعفی دگر
خلق نماید آنچه خواهد بی‌بدیل عالم است و هم توانگر آن جلیل
وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ ۚ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ

﴿۵۵﴾

تا رسد آن ساعت و آن رستخیز مجرمان آرند سوگندهایی نیز
که به دنیا داشته، یک ساعت درنگ می‌نبوده فرصتی در وقت تنگ
تا کنند بازگو ایشان این‌چنین از صداقت رفته بر کذب بالیقین

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ ۖ فَهَذَا يَوْمُ
الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

﴿٥٦﴾

در جواب گویندشان آزادگان صاحبانِ علم و ایمان در جهان
که شما را بود فرصت بی‌کران در کتابِ حق نوشته بهرتان
تا به روز رستخیز کامد کنون قدرِ فرصت را نیافتید از فسون

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

﴿٥٧﴾

پس بدین روز آن گروه ظالمان هیچ مفید واقع نگردد عذرشان
همچنین توبه ز اعمالِ بالاصول نزد ایزد نیز نمی‌گردد قبول
وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۚ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ

﴿٥٨﴾

ما در این قرآن بیاوردیم مثال بهر مردم تا مگر یابند کمال
ای رسولا! چون نمایی دعوتی بهر هر دعوت بیاری آیتی
باز گویند از عناد آن کافران کای مسلمانان! شما یید باطلان

كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

﴿٥٩﴾

مُهر نماید این‌چنین پروردگار بر قلوبِ مردمانی نابکار
که ندانند نیک و بد اندر امور بر ره کفران روند روی قصور

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۖ وَلَا يَسْتَخِفِّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ

صبر بنما پیشه، اینک ای رسول!
 کز شرارت‌های جمعی غافلان
 وحدهی حق حتمی باشد بالاصول
 که ندارند یقین در قلبشان
 حسّ خفّٰت هیچ نیاری در گمان
 منفعل هرگز نگردی در جهان